



جمال شوره جی (فیلم‌ساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلم‌ساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلم‌ساز)

شهریار بحرانی (فیلم‌ساز)

رابویش ارچمند (بازیگر)

نادر میروایی (فیلم‌ساز)



جوامع مدعی آزادی بیان ایجاد کنند و صدای مظلومان را به حاشیه‌ی بیرند علاوه بر حذف محتوا، فشارهای شدیدی بر بازیگران و فیلم‌سازان حامی فلسطین در آمریکا نیز اعمال می‌شود، که منجر به خودسانسوری و حذف صدای متفاوت می‌شود. در اروپا نیز نمونه‌هایی از محدودیت در پخش محتوا وجود دارد. اگرچه مکانیزم‌ها ممکن است متفاوت باشد، اما پلتفرم‌ها در این قاره نیز باید به قوانین داخلی هر کشور و همچنین مقررات اتحادیه اروپا پایبند باشند. به عنوان مثال، در آلمان، قوانین سختگیرانه‌ای در مورد محتوای حاوی نمادهای نازی یا ترویج خشونت وجود دارد که می‌تواند منجر به حذف یا اصلاح سریال‌ها شود. همچنین، در برخی کشورهای اروپایی، محتوای ترویج‌دهنده نفرت‌رانی یا تبعیض به‌شدت کنترل می‌شود.

در بریتانیا نیز، نهادهایی مانند Ofcom (داره ارتباطات) بر محتوای پخش شده از طریق شبکه‌های تلویزیونی و پلتفرم‌ها نظارت دارند و در صورت تخلف، می‌توانند دستسرو به حذف یا جریمه صادر کنند. پرونده‌هایی در گذشته وجود داشته که به دلیل نقض قوانین مربوط به محتوای جنسی، خشنوت‌آمیز یا توهین‌آمیز، سریال‌ها یا برنامه‌ها مورد بازبینی قرار گرفته‌اند.

راهکار چیست؟

ضروری است نهادهای نظارتی، با قاطعیت و بدون ممانعت، با این گونه رفتارهای سودجویانه و ضدفرهنگی برخورد کنند. صرف توقف موقت سریال و سپس اجازه پخش مجدد یا اصلاحات، کافی نیست. باید سازوکارهای دقیق‌تری برای نظارت بر محتوای اولیه و همچنین برخورد با پلتفرم‌هایی که عمداً دست به چنین رفتارهایی می‌زنند، اندیشیده شود. وضع جریمه‌های سنگین، لغو مجوزهای موقت و حتی در موارد تکرار و تخلف آشکار، لغو دائم مجوز فعالیت، می‌تواند از جمله این راهکارها باشد. شبکه نمایش خانگی، طرف‌بتهای عظیمی برای تولید محتوای فاخر و فرهنگ‌ساز دارد، اما این ظرفیت‌ها نباید به ابزاری برای فریب مخاطب، دور ردن قانون و ترویج بی‌پندواری تبدیل شود. مسئولان فرهنگی و نظارتی کشور باید هوشیار باشند و اجازه ندهند منفعت‌طلبی‌های روزگدر، به بین‌های فرهنگی جامعه آسیب برساند. «سروش» و حواسی آن، تنها یک نمونه کوچک از یک معضل بزرگ‌تر است که نیازمند توجه و اقدام فوری است.

این سریال، جزئیات دقیق عملیات‌های جاسوسی و نفوذ را مانند یک استوری‌بورد عملیاتی به نمایش گذاشته، کاری که معمولاً از سئوی سربوس‌های اطلاعاتی برای آموزش و برنامه‌ریزی به‌کار می‌رود. این دست آثار نشان می‌دهد که غرب از سینما و سریال به عنوان ابزارهای استراتژیک برای تصویرسازی ذهنی و برنامه‌ریزی آینده استفاده می‌کند. نمونه‌های متعدد دیگری هم وجود دارد: از پیش‌بینی حملات ۱۱ سپتامبر در فیلم‌ها گرفته تا شبیه‌سازی مذاکرات هسته‌ای در سریال «۲۴»، و پیش‌نمایش افشاشات منطقه‌ای در آثار جنشوارهای کن و وینز.

تکاهی به آینده

فصل سوم سریال «تهران» در دست تولید است و پیش‌بینی می‌شود با وجود نقدها، بار، به دربردارنده نکات مهمی برای تحلیلگران امنیتی و فرهنگی باشد. این سریال‌ها که شاید از نگاه برخی تنها سرگرمی باشند، در واقع گوشه‌هایی از میدان جنگ شناختی و جنگ نرم را به نمایش می‌گذارند. در دنیای معاصر، بی‌توجهی به این دست تولیدات هنری و رسانه‌ای، به معنای نادیده گرفتن بخشی از نقشه راه دشمن است.

در دل و جهان مخاطب بنشیند. در ادامه هم با نمایی پایین به بالا، شعراهای شیطان‌پرستانه این عضو ادامه پیدا می‌کند.

سپس همن مرد به سمت رزماری می‌آید و به او می‌گوید تو از مرد هستی و فقط باید این کودک را بزرگ کنی. همسر رزماری هم پیش او می‌آید و مدعی می‌شود از شیطان‌پرستان (که خودش هم جوشان است) تضمین گرفته است که با رزماری کاری ندارند. در نمای پایانی فیلم هم رزماری با چهره‌ای آرام و با لبخند ی نرم، به سمت بچه شیطان می‌رود و فیلم تمام می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دیدیم که از ابتدای فیلم بچه رزماری، قدرت‌نمایی شیطان از مضامین مهم فیلم است و اساساً چیزی به نام خدا در این فیلم وجود ندارد. رزماری در بخشی از فیلم که به دنبال فرار از شیطان‌پرستان است، هیچ اهکاری پیدا نمی‌کند و هیچ موجود الهی به کمک او نمی‌آید. در سکانس پایانی هم این ترس تبدیل به علاقه شده و رزماری کاملاً در فرقه شیطان‌پرستان هضم می‌شود. این در حالی است که در تیرجابت متعدد و ثبت شد حتی در غرب، شاهد تجربه‌های بسیار زیادی از شکست خوردن شیاطین از لشکر موجودات الهی هستیم. چه یک انسان یکسرکشت و چه فرشتاهای که به کمک آنها انسان می‌آید و ترس شیطان را رافع می‌کند. به عنوان مثال نقد فیلم چن گیر گفتمی که در داستان واقعی، چن‌گیری توشه کشیشان رفق شده، یعنی حتی کشیش‌های مسیحی با او کاری نخواستند داشت و مملو از گزاره‌های اسطوره‌ای، به دلیل اندک ربطی که با خداوند دارند می‌توانند با قوت الهی شیاطین را نابود کنند. اما در بچه رزماری و فیلم‌های شیطان‌گرایانه مشابه این اثر، خبری از نیروهای الهی نیست و شیاطین و شیطان‌پرستان به خوبی نشان داده می‌شوند و حتی قدرت‌نمایی می‌کنند. سکانس‌های زیادی از این فیلم با هدف اثبات وجود شیطان‌پرستان در آمریکا گرفته شده بود و دیدیم که فیلمساز حتی برای علمی کردن ادعایش کتاب‌های متعددی را هم از زاویه نزدیک به مخاطب نشان می‌داد. در حالی که ادعای فرقه‌های شیطان‌پرستانه (حتی امروز که چند دهه از فیلم بچه رزماری گذشته است) شمار چندان نامرئی نیست. فیلم سینمایی بچه رزماری در یک پروپاگاندای تدارک دهن، در زمانبندی قدرت، تعداد و سیطره شیطان‌پرستان بر آمریکا، غلوه‌ای زیادی می‌کند. شاهد

فرزند رزماری متولد می‌شود و ابتدا نمی‌گذارند مادرش او را ببیند. بعد از چند وقت رسیدگی مهربانانه(ا) از رزماری، او مخفیانه به اتاق مخفی پشت کمد می‌رود و در اتاقی که همه همسایه‌ها و اعضای فرقه شیطان‌پرستی (از جمله همسر رزماری) نشسته‌اند، تخت کدوکش را می‌بیند و وقتی چاقو به دست به تخت نزدیک می‌شود و چهره فرزندش را می‌بیند، به‌شدت می‌ترسد و عقب می‌رود. گویا چهره فرزندش بسیار وحشتناک است. سپس یکی از طرفی فرقه‌های شیطان‌پرستی و فیلمساز با نمای روی شانه از رزماری، درواقع از زبان آن شیطان‌پرست به مخاطب پیام‌های در قدرت‌نمایی شیطان می‌دهد. او مدعی است شیطان‌پرده این آپارتمان می‌می‌ریم. هدف این الهی را نابود خواهد کرد و خلاصه تمام محتوایی که در فیلمانه به صورت ضمنی گنجانده شده بود، به صورت کاملاً شعاری و صریح گفت می‌شود تا قدرت شیطان



سروشون و آشفته‌بازار نمایش خانگی

فریب مخاطب و قانون‌گریزی زیر نقاب فرهنگ

|| مهدی امیدی ||

این رویه، از چند منظر ضدفرهنگی و غیراخلاقی است: فریب مخاطب و نقض حقوق شهروندی؛ مخاطبی که با اعتماد به پلتفرم و با صرف هزینه، اقدام به خرید اشتراک کرده تا سریالی را در زمان مقرر تماشا کند، عملاً قربانی یک بازی تبلیغاتی می‌شود. او هزینه‌ای پرداخته و حق تماشای کامل و بدون وقفه محتوا را دارد، اما به دلیل منفعت‌طلبی پلتفرم، این حق از او سلب می‌شود. این رفتار، مصداق سازز بی‌احترامی به حقوق مصرف‌کننده و نقض اعتماد عمومی است. دور زدن قانون‌و نادیده‌گرفتن ارزش‌ها: برخی پلتفرم‌ها با علم به حساسیت‌های موجود در جامعه و

ساخت سریال بر عهده یک عامل موساد

ساخت سریال «تهران» برعهده موشه روزنر، از مدیران سابق موساد و شهین‌ب‌ت بود. روزنر پیش از این در ساخت سریال «فونی» و فیلم «مامور مخفی» نقش داشت؛ آثاری که همگی محوریت نفوذ جاسوسان اسرائیلی در مناطق حساس و نقاط بحرانی غرب آسیا را داشتند. نکته مهم این است که چنین پروژه‌هایی تنها سرگرمی نیستند، بلکه حامل پیام‌های استراتژیک



نقد و بررسی فیلم «بچه رزماری»

اولین پروپاگاندا‌ی شیطان‌پرستان

مسیح عرفان

می‌شود رزماری در دید ما شخصیتی کدون به نظر برسد. این در حالی است که در کتاب، رزماری و همسرش به دلیل خوشحالی زیاد به این شایعات توجه نمی‌کنند و نه اینکه رزماری از بهره هوشی پایینی برخوردار است. رزماری با همسایه‌ها آشنا می‌شود و شوهرش هم دائم به خانه آن‌ها می‌رود و رزماری از این مسئله ناراضی است.

همسایه‌ها هم به رزماری یک گردنبند می‌دهند که گیاهی خاص در آن قرار دارد و بعداً می‌فهمیم این یکی از طلسم‌های شیطان‌پرستان است. اما در هیچ جای اثر مشخص نمی‌شود این گردنبند دقیقاً چه کارکردی دارد



و همین باعث می‌شود تاآکیدات متعدد فیلم بچه رزماری بر این گردنبند بی‌معنی باشد. همچنین در سکانس‌های متعددی شاهد مهمانی رفتن رزماری با شوهرش هستیم، اما چون هیچ شهادتی بر شیطان‌پرست بودن آن‌ها نداریم، هیچ تعلیقی برای ما ایجاد نمی‌شود. از طرفی چون رزماری دیالوگ‌های اول فیلم را هم جدی نگرفت و دنبال نکرد، این حسد که این افراد هم بعد از چند دهه، در حال‌پرستش شیطان

ما ایجاد نمی‌شود. از علم به مخاطب نمی‌آید. به همین علت بخش‌های زیادی از این سکانس‌ها کاملاً بلااستفاده قرار گرفته و جذابیت خاصی برای مخاطبین ندارد. همچنین سکانس‌های زیادی که از زندگی عادی



پیش از شروع جنگ تحمیلی رژیم صهیونی علیه کشورمان، یک گروه در فضای فرهنگی، خاصه در عرصه مدیریت و نظارت شبکه نمایش خانگی ایجاد شد که در گرفتن این جنگ، موجب غفلت از آن شد؛ درحالی‌که این مسئله، یک بیماری و قابل تکرار است، کما اینکه پیش از این نیز موارد مشابه اتفاق افتاده بود و نوعی زیر پا گذاشتن حقوق معنوی و فرهنگی جامعه و مخاطبین شبکه نمایش خانگی محسوب می‌شود.

ماجرای این قرار بود که، توقف ناگهانی پخش سریال «سروشون» از یکی از پلتفرم‌های نمایش خانگی، بار دیگر نگاه‌ها را به سئوی آشفته‌بازار این رسانه‌های نوپا و حواسی پرشمار آن‌ها خیره کرد. این اتفاق، دو اولین مورد مشابه است و نه به نظر می‌رسد آخرین باشد. پلتفرم‌ها، در سال‌های اخیر به بازیگران اصلی در عرصه فرهنگ و سرگرمی کشور تبدیل شده‌اند، اما در کنار فرصت‌هایی که ایجاد کرده‌اند، چالش‌های جدی و بعضاً رفتاری‌ها تأمل‌برانگیزی را نیز به جامعه تحمیل کرده‌اند که نیازمند نظارت جدی و قاطع است.

مسئله اصلی در این میان، فراتر از یک توقف ساده در پخش یک سریال است. آنچه این حواسی را نگران‌کننده‌تر می‌کند، گمانه‌هایی است که درباره رفتار همدغدمن برخی پلتفرم‌ها برای ایجاد هیاهو و جذب مخاطب از طریق به تعلیق درآوردن پخش محتوا مطرح می‌شود. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که رویکردی خاص در حال شکل‌گیری است؛ رویکردی که در آن، محتوایی با چاشنی صحنه‌های تحریک‌آمیز یا تابوشکنانه (که از پیش می‌دانند منجر به واکنش نهادهای نظارتی خواهد شد) منتشر می‌شود. هدف از این کار، در وهله اول، ایجاد موج تبلیغاتی و جلب توجه حادکنری مخاطبان است.

در این فرآیند، خبر توقف برخی اصلاح سریال، خود به یک تیر تاغ و جذاب تبدیل می‌شود که کنجکاوی عمومی را برمی‌انگیزد.

پس از ایجاد این هیاهو و جذب اولیه مخاطب، که عمدتاً با وعده تماشای محتوایی خاص صورت گرفته، پلتفرم‌ها اقدام به حذف همان صحنه‌ها یا اصلاح محتوا می‌کنند و پس از مدتی، با آب و تاب فراوان، خبر از رفع توقیف و ادامه پخش سریال می‌دهند. این چرخه معیوب، عملاً یک فریب بزرگ برای مخاطب و دور زدن آشکار قوانین کشور است.

در ژوئن سال ۲۰۲۰، مینی‌سریال «تهران» ابتدا از تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

داستان «تهران» حول محور نفوذ یک جاسوس

پیش‌بینی جنگ امروز ۵ سال قبل در سریال «تهران»

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.



حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حرف‌های اسرائیلی است که با کمک عوامل داخلی و تلویزیون اسرائیل و سپس در شبکه‌های پخش آنلاین غربی به نمایش درآمد. این سریال، اگرچه ظاهراً در ژانر جاسوسی و هیجانی ساخته شده بود، اما با گذشت زمان و تطبیق آن با رخدادهای واقعی، به عنوان یک سمند غیررسمی و نمایشی از عملیات نفوذ و جنگ شناختی رژیم صهیونیستی علیه ایران مطرح شد.

حکایت سینما توگراف ۲ قهرمانانی که در این سینما جای ندارند

سعید مستغاثی

بخش یکمده و سی و نه

فیلم‌های بیوگرافیک یا زندگینامه‌ای درباره شخصیت‌های علمی، سیاسی، نظامی، هنری و... از مهم‌ترین آثار سینمای غرب از ابتدای شکل‌گیری آن بوده که به اتحاء مختلف ساخته شده و حجم عظیمی از تولیدات هرسال را در بر گرفته و می‌گیرد.

آثار زندگینامه‌ای خصوصاً در مورد قهرمانان جنگ‌ها که اغلب هم تجاوزگرانه و دخالت‌مدارانه به نظر رسیده، بخش برجسته‌ای از سینمای‌هالیوود را در سال‌های مختلف تشکیل داده؛ مثل به تصویر کشیدن زندگی تروریستی از نیروی دریایی آمریکا به نام «کریس کائل» در فیلم «تک‌تیرانداز آمریکایی» که در جریان اشغال عراق حدود ۱۶۰ زن و مرد و کودک بی‌گناه عراقی را با تیر مستقیم به قتل رساند تا روایت کدشکن معروف انگلیسی در جنگ دوم جهانی به نام «آن تورینگ» در فیلم «بازی تقلید» تا ماجرای سربازی به نام «زومدن دلب» که بدون سلاح در جنگ خوزین اوکیناوا جان ده‌ها تن از هموطنانش را نجات داد در فیلم «هکسارنج» تا ابداعات جنگی‌ها وارد هیوز در فیلم «هوانورد» تا نمایش جنگجویی به نام ویلیام والاس در فیلم «شجاع دل» که زمانی اسکاتلند را از چنگ انگلیسی‌ها درآورد و تا داستان فعالیت‌های «سر تامس لارنس» برای شکست عثمانی‌ها در شبه‌جزیره عربستان و روی کار آوردن آل‌سعود در فیلم «لارنس عربستان» و تا..



اما متأسفانه در سینمای ما، علی‌رغم ساخت تعداد معتنهایی آثار جنگی و فیلم‌های دفاع مقدس، کمتر به آثار زندگی‌نامه‌ای قهرمانان این دفاع تاریخی پرداخته شد و بیشتر در فیلم‌ها، اگرچه اغلب روایت‌های واقعی از سال‌های دفاعی مقدس، دستمایه کار بوده اما حتی در این گونه روایات، به‌گونه‌ای غیرقابل توجیه، اسامی افراد واقعی عوض شد و شخصیت‌های حقیقی آن سال‌ها، پنهان و گمنام ماندند.

چنین رویه‌ای اگر در طی سال‌های دفاع مقدس برای حفظ اسرار جنگ در برخی فیلم‌ها توجیه‌پذیر به نظر می‌رسید مانند «پرواز» در شب» که روایت عملیات والفجر مقدماتی در کانال کمیل را به تصویر کشیده بود و حتی نام شخصیت اصلی آن یعنی شهید ابراهیم هادی را به مهدی نریانم (با بازی مرحوم فرج‌الله سلحشور) تبدیل کرد اما دیگر چنین توجیهی در زمان تولید فیلم «تنگه ابوغریب» معنا نمی‌داد.

که علی‌رغم روایت یک عملیات واقعی، اسم شخصیت‌های آن عوض شوند. اما در جشنواره فیلم فجر چهلیم، شاهد سه‌ چهار فیلم از این دست هستیم که به نوعی کجایتی از زندگی‌نامه شخصیت‌های حقیقی بوده و از میان آنها، دو فیلم به قهرمانان دفاع مقدس پرداختند، (مانند «موقعیت مهدی» یا «۲۸۸۸» و «هناس») گویا بالاخره سینمای ما و جشنواره فجر، قهرمانان این ملت را پیدا کردند!

سینمای پیش از انقلاب ایران، اعم از فیلم فارسی و فیلم‌های به اصطلاح موج نو، در خدمت اشاعه سبک زندگی غربی و مچو هویت ایرانی و اسلامی بود و پیروزی انقلاب اگرچه مسئولان طاغوتی را از همه عرصه‌ها از جمله هنر و سینما کنار زد اما متأسفانه به دلیل تحلیل نادرست متولیان هنری و سینمایی پس از انقلاب از جریان سینمایی پیشین، همان تفکر شاعه فرهنگ و ایدئولوژی آمریکایی و سبک زندگی غربی همچنان در این سینما باقی ماند و اگرچه در سال‌های ابتدایی به دلیل فضای انقلابی، کمتر فرصت بروز بی‌واسطه را یافت اما با فاصله گرفتن از روزهای پیروزی انقلاب و به‌خصوص دفاع مقدس و با ورود به هنگامه‌های به اصطلاح سازندگی و اصلاحات، بیش از پیش خود را از جمله در جشنواره فیلم فجر، نمایش داد.

نگاهی اجمالی به فیلم‌های سال‌های گذشته اثبات همین مدعاست که چگونه این آثار در جهت ترویج سبک زندگی غربی و به‌خصوص آمریکایی و تصفیف سبک زندگی ایرانی/اسلامی عمل کرد. فیلم‌هایی که عشق‌های نامشروع مثلی و مرعی و دوزنقه‌ای و روابط پنهان یا حسرت عشق‌های سوخته زنان و مردان متأهل و انواع و اقسام خیانت و خیارده‌های درهم ریخته و پدران غائب یا هیولا و تسخر ارزش‌ها و عناصر دینی و ملی را در کنار خود می‌دیدیم می‌کردند. اما در جشنواره فیلم فجر خوشبختانه پرده‌ای دیگر ساز شد و اغلب فیلم‌ها یا در مذمت و تقبیح و محکوم کردن سبک زندگی غربی بودند، مانند: «شهرک» و «هی‌وایا» و «فلزار» و... و یا در برجسته ساختن سبک زندگی ایرانی/ اسلامی مثل «بدون قرار قبلی» و «موقعیت مهدی» و «هناس» و «شادران» و... و البته تعداد کمی از آثار هم پیر و هم سبک و سیاقی پیشین به نظر می‌رسیدند که به هرحال از سبد تولیدات دوران پیش باقی مانده بودند.

علی‌رغم فیلم‌های متعددی که درباره جنگ تحمیلی ساخته شده اما شاید بتوان دفاع مقدس را مهجورترین موضوع این سینما دانست. ممکن است برخی بر این باور باشند که به دلیل فاصله گرفتن زمانی و گذشت بیش از سه دهه از پایان سال‌های دفاع مقدس، دیگر لزومی برای روایت سینمایی از آن دوران نیست. این در حالی است که هنوز پس از گذشت ۱۰۴ سال از جنگ اول جهانی و ۷۷ سال از روزهای پایانی جنگ جهانی دوم یا همچنین گذشت دهه‌ها از جنگ‌های تجاوزکرانه در ویتنام و کره، هر سال آثار مختلفی درباره آنها ساخته شده و بر پرده سینمای‌های دنیا رفته و جوایز بسیاری هم به آنها تعلق می‌گیرد. چند سال پیش فیلم «۱۹۱۷» یکی از مهم‌ترین آثار سینمایی فصل جوایز بود و در کنارش فیلم‌هایی درباره «برل‌هاربر» و دیگر وقایع جنگ‌های جهانی، از آثار برجسته آن سال به شمار رفتند. از بعد از آن در مراسم اسکار، فیلم‌های «تاریک‌ترین روز» و «انکرک» که به مقطعی از آغاز جنگ جهانی دوم می‌پرداخت، در زمره ۴ فیلم کاندیدای اسکار بهترین فیلم قرار گرفتند و با قیل‌تر، اساساً موضوع جشنواره فیلم لندن، جنگ جهانی دوم بود.

از طرف دیگر در همان سال‌های هم که هنوز فاصله چندانای با دوران جنگ تحمیلی نگرفته بودیم و حتی در خود روزگار دفاع مقدس نیز تنها بخش کوچکی از تولیدات در سال این سینما به آن اختصاص می‌یافت و طرفه آنکه در همان سال‌های اوج دفاع مقدس و حضور مردم در جبهه‌های جنگ، متأسفانه سینمای ایران بیشتر درگیر فیلم‌های جشنواره‌ای و شیروشنفرکی و یا حادکار خنثی و بی‌تفاوت بود. این در حالی است که در هنگامه جنگ جهانی دوم، دولت بریتانیا با صدور اطلاعیه‌ای کلیه استودیوهای سینمایی‌اش را در خدمت جنگ قرار داد و علی‌رغم دوری هزاران فرسنگی آمریکا از جبهه‌های نبرد و ورود با تأخیر ۴ ساله به جنگ، اما استودیوهای‌هالیوود نیز تمام‌قد در خدمت جنگ قرار گرفتند به طوری که پس از پایان جنگ دوم جهانی، صاحبان این استودیوها همچون جک وارنر (از رؤسای کمپانی برادران وارنر) مدال قهرمانی جنگ را دریافت نمودند.

حضور فیلم‌های دفاع مقدس در جشنواره فیلم فجر طی سال‌های پس از جنگ، ابتدا در حد ۱۰-۱۲ فیلم در این باب بود اما دو سه فیلم قابل‌تأمل وجود دارد که همان حکایت ناگفته‌ها و ناموده‌ها بود و می‌توانست فتح بابی باشد برای دوره‌های بعد که حداقل این جشنواره دینش را به دفاع مقدس و شهدا و جانبازان و جاویدالآثرها و خانواده‌های مکرشان و رزمندگان همیشه جیهه‌ها ادا نمود.

در دولت مهر و یازدهم و دوازدهم نیز اوضاع به همین متوال بود تا اینکه در سال‌های آخر برای خالی نبودن عریضه، اغلب یک فیلم دفاع مقدس در بخش‌های رسمی جشنواره فجر به نمایش گذشته می‌شد! این در حالی است که ناگفته‌ها و ناموده‌ها بسیاری از دوران ۸ ساله دفاع مقدس باقی مانده که هنوز تصویری از آنها بر پرده سینماها نرفته است. صدها کتاب و هزاران مطلب و ده‌ها هزار خاطره از آن دوران بیرون آمده و صدها هزار برگ سندن منتشر نشده وجود دارد که هر یک می‌تواند هم برای پرده سینما، روایات جذابی باشد و هم برای نسل دیروز و امروز باعث هویت بخشی و تحکیم باورها و اعتقادات گردد.

اما در چهلیمین جشنواره فیلم فجر علی‌رغم اینکه میدان انتخاب همان سبد خالی تولیدات دولت‌های قبل در این باب بود اما دو سه فیلم قابل‌تأمل وجود دارد که همان حکایت ناگفته‌ها و ناموده‌ها بود و می‌توانست فتح بابی باشد برای دوره‌های بعد که حداقل این جشنواره دینش را به دفاع مقدس و شهدا و جانبازان و جاویدالآثرها و خانواده‌های مکرشان و رزمندگان همیشه جیهه‌ها ادا نمود.